

مرجع سوالات موضوعی آیین دادرسی مدنی – جلد دوم

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

کارشناسی ارشد و دکتری حقوق خصوصی وکالت – قضاوت – مشاوران حقوقی

شامل بیش از ۱۱۰۰ تست تالیفی با پاسخ کامل تشریحی که بصورت موضوعی طبقه بندی شده است.

مؤلف: افسانه خواست خدایی



مرجع سوالات موضوعی آیین دادرسی مدنی – جلد دوم

افسانه خواست خدایی

نظارت : مهندس شهرام کرمی و مهندس علی اکبر نکوفر
مسئول فنی : لیلا بعاج زاده
تایپ : سارا نیاکان
طرح جلد : مریم مظفری

آدرس : شیراز - مؤسسه آموزش عالی آزاد فاضل

تلفن : ۰۷۱-۳۲۳۵۳۰۱۶ / ۰۷۱-۳۲۳۵۹۹۰۲

دانشجوی گرامی

حضور در کلاسهای موسسه آموزش عالی فاضل بدلیل حل مسائل متنوع ، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد ، قرار گرفتن در جو کنکور ، ایجاد انگیزه رقابت ، رفع اشکالات دانشجو و آزمونهای کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می شوید انتخابی است که نمی توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد .

شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه آموزش عالی فاضل به شما این امکان را می دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

پیشگفتار

خداوند متعال را شاکرم که توان گام برداشتن در مسیر علم و دانش را در من نهاد. در پرتو لطف پروردگار و در سایه ی مهر امام عصر(عج)، کتاب حاضر پاسخی ناچیز به خواسته ی دانشجویان و داوطلبان آزمون های حقوقی است که به دنبال استقبال مخاطبان محترم از مجموعه پرسش های چهارگزینه ای تالیفی در درس آیین دادرسی مدنی تالیف و گردآوری شده است.

در این کتاب سعی بر آن بوده است که سوالات با طبقه بندی موضوعی منطبق با سرفصل های قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ و با بهره گیری از مفاهیم و مباحث کتاب سه جلدی پیشرفته آیین دادرسی مدنی استاد گرانقدر؛ دکتر عبدالله شمس تالیف گردد.

از شاخصه های بارز کتاب پیش رو، می توان به پاسخنامه تشریحی هر تست که در ذیل آن تست جهت یادگیری هر چه بهتر نکات کاربردی آن موضوع بیان شده، اشاره کرد. همچنین به روز بودن سوالات و مفاهیم آن با بهره گیری از قوانین خاص کاربردی در این کتاب منجر به آمادگی همه جانبه و عدم غافلگیری داوطلبان در آزمون های حقوقی می شود. در پایان از حمایت همیشگی و دلسوزانه ریاست محترم موسسه ی آموزش عالی فاضل جناب آقای علی اکبر نکوفر و همکاری موثر سرکار خانم لیلا بعاج زاده، که در هر چه بهتر ارائه شدن این کتاب مرا یاری نموده اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

امید است که نگاه نقادانه و ظریف شما مخاطب محترم، یاری رساندن اینجانب در مسیر تکامل چاپ بعدی این کتاب باشد.

و من الله توفیق
افسانه خواست خدایی

تقدیم به

پیشگاه مقدس امام زمان (عج)

و

نگاه پرمهر پدرم و روح بزرگ و آسمانی مادرم

فهرست مطالب

۱.....	کلیات.
۸.....	در صلاحیت دادگاهها
۳۹.....	وکالت در دعاوی
۵۰.....	دادخواست
۵۸.....	بهای خواسته
۶۵.....	جریان دادخواست
۶۷.....	ابلاغ
۷۵.....	ایرادات و موانع رسیدگی
۸۶.....	جلسه دادرسی
۹۷.....	توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست
۱۰۲.....	تأمین خواسته
۱۱۵.....	ورود شخص ثالث
۱۱۸.....	جلب شخص ثالث
۱۲۱.....	دعوی تقابلی
۱۲۵.....	اخذ تأمین از اتباع دولت های خارجی
۱۲۷.....	تامین دلیل و اظهارنامه
۱۳۱.....	دعوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
۱۴۱.....	سازش و درخواست آن
۱۴۶.....	رسیدگی به دلایل (کلیات)
۱۴۹.....	اقرار
۱۵۲.....	اسناد
۱۶۳.....	گواهی
۱۶۶.....	معاینه محل و تحقیق محلی
۱۶۹.....	رجوع به کارشناس
۱۷۴.....	سوگند
۱۸۰.....	نیابت قضایی
۱۸۲.....	صدور رأی

۱۸۵	ابلاغ رأی
۱۸۷	حکم حضوری و غیابی
۱۹۰	واخواهی
۱۹۶	تصحیح رأی
۱۹۷	دادرسی فوری
۲۰۵	تجدید نظر
۲۲۰	فرجام خواهی
۲۳۰	اعتراض شخص ثالث
۲۳۶	اعاده دادرسی
۲۴۱	مواعد
۲۴۳	داوری
۲۴۸	هزینه دادرسی و اعسار
۲۵۰	مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۲۵۲	قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱
۲۵۷	قانون شورای حل اختلاف مصوب ۹۴
۲۶۱	دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲
۲۶۵	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۵۶
۲۷۸	قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴

کلیات

۱- برابر قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه در چه صورت می تواند به دعوایی رسیدگی کند؟

- ۱) شخص یا اشخاصی ذی حق یا وکیل یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنها رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نمایند.
 - ۲) فقط اشخاصی که به طور مسلم دارای نفع شخصی در دعوا هستند یا وکلای آنها یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنها اقامه دعوا کنند.
 - ۳) شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.
 - ۴) هیچ یک از گزینه ها مطابق با نص قانون نمی باشد.
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. مستند به نص ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی.

۲- قوانین آیین دادرسی مدنی به معنای اخص؛

- ۱) اصولاً اثر غیر فوری داشته و عطف به ماسبق می گردند، مگر در مواردی که به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آورد.
 - ۲) اصولاً اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می گردند، مگر در مواردی که به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آورد.
 - ۳) مطلقاً اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می گردند.
 - ۴) اصولاً اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می گردند حتی در مواردی که به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آورد.
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. قوانین آیین دادرسی به معنای اخص، اصولاً اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می گردند مگر در مواردی که عطف به ماسبق نمودن آنها، به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آورد برای مثال، چنانچه به موجب قانون جدید قابلیت شکایت از حکمی زایل شود این قانون عطف به ماسبق نگردیده و بنابراین شامل احکامی که در زمان لازم الاجرا شدن قانون قدیم صادر شده نمی گردد. در حقیقت با صدور حکم حق شکایت از حکم را محکوم علیه به دست آورده و قانون لاحق نمی تواند به کیفیتی اجرا شود که موجب سلب این حق گردد. همچنین در صورتی که به موجب قانون لاحق احکام قطعی صادره در حکومت قانون سابق قابل شکایت اعلام گردد نباید آن را بر احکامی مؤثر دانست که قبلاً صادر گردیده است چه در این صورت به حقوق مکتسبه محکوم له خلل وارد می شود. (رجوع کنید به دکتر شمس، عبدالله، جلد نخست، شماره ۱۷)

۳- ویژگی های نفع ادعا شده شخص ذینفع در دعوا؛

- ۱) نفع باید حقوقی و مشروع باشد.
 - ۲) نفع باید به وجود آمده و باقی باشد.
 - ۳) نفع باید شخصی و مستقیم باشد.
 - ۴) هر سه گزینه
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. (رجوع کنید به دکتر شمس، عبدالله، جلد نخست، ش ۵۰۸)

۴- رسیدگی به دعاوی تجاری و بازرگانی؛

- ۱) در دادگاههای عمومی و مطابق آیین دادرسی تجاری رسیدگی می شود.
 - ۲) در دادگاههای تجاری و مطابق آیین دادرسی مدنی رسیدگی می شود.
 - ۳) در دادگاههای تجاری و مطابق آیین دادرسی تجاری رسیدگی می شود.
 - ۴) در دادگاههای عمومی و مطابق آیین دادرسی مدنی رسیدگی می شود.
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. مستند به نص ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی. (رجوع کنید به دکتر شمس، عبدالله، جلد نخست، شماره ۴)

وکالت در دعاوی

۱۵۵- دخالت وکیل در دعاوی حقوقی است و تعداد وکلاء است.

(۱) الزامی - نامحدود

(۲) الزامی - محدود

(۳) اختیاری - محدود

(۴) اختیاری - نامحدود

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی

۱۵۶- در صورتی که وکیل در انتهای دادرسی استعفا دهد دادگاه مکلف است

(۱) دادرسی را به تأخیر بیندازد.

(۲) به رسیدگی خود ادامه دهد.

(۳) دادرسی را به تأخیر بیندازد مشروط بر اینکه اخذ توضیح لازم باشد.

(۴) دادرسی را تا مراجعه موکل به مدت یک ماه به تأخیر اندازد.

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی اصولاً استعفای وکیل موجب تجدید

جلسه دادگاه نیست و فرض ماده ی ۳۹ این قانون مربوط به جایی است که دادرسی در آغاز رسیدگی است که وکیل

استعفا می دهد و به همین دلیل بند دوم ماده ی ۳۹ وکیلی را که مبادرت به تقدیم دادخواست نموده مکلف به اطلاع

استعفای خود به موکل می داند اما چنانچه وکیل در انتهای دادرسی اقدام به استعفا کند در صورتی که اخذ توضیحی

لازم نباشد دادرسی به تأخیر نمی افتد.

۱۵۷- در صورتی که وزارتخانه ای بخواهد نماینده حقوقی به دادگاه معرفی نماید:

(۱) تنها در دعاوی غیرمالی این امر ممکن است.

(۲) تنها در دعاوی مالی این امر ممکن است، مشروط بر اینکه بالاترین مقام اجرایی سازمان شرایط نماینده را احراز کند.

(۳) چنین امری ممکن نیست.

(۴) این امر در تمامی دعاوی اعم از مالی و غیرمالی ممکن است مشروط بر اینکه بالاترین مقام اجرایی سازمان شرایط

نماینده را احراز کند.

- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۳۲ ق.آ.د.م

۱۵۸- وکالت در ادعای اعسار ممکن وکالت در ارجاع دعوا به داور ممکن وکالت در صلح

ممکن

(۱) نیست - است - است - است

(۲) است - است - است - است

(۳) است - است - نیست - نیست

(۴) نیست - نیست - است - نیست

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۱۵۹- مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی وکیل در اطلاع استعفای خود به موکل

(۱) چنانچه وکیل دادخواست خود را تقدیم کرده باشد باید استعفای خود را به موکل اطلاع دهد.

(۲) مطلقاً باید استعفای خود را به موکل اعلام کند.

(۳) مطلقاً نیازی ندارد که استعفای خود را به موکل اعلام کند.

(۴) هیچکدام

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی تنها در صورتی که وکیل دادخواست

را تقدیم کرده باشد باید استعفایش را به اطلاع موکل برساند.

بهای خواسته

۲۳۴- بهای خواسته جهت طرح دعوی تصرف عدوانی عبارتست از

(۱) قیمت منطقه ای مال غیرمنقول (۲) قیمت واقعی ملک

(۳) قیمت تقویم شده توسط خواهان (۴) هیچ کدام

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. دعوی تصرف عدوانی یک دعوی غیرمالی اعتباری بوده و اساساً نیازی به تقویم خواسته ندارد.

۲۳۵- کدام گزینه غلط است؟

(۱) در دعوای چند خواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می نماید بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت هایی که مطالبه می شود.

(۲) در دعوای راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

(۳) در دعوای راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود بهای خواسته همواره عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می داند.

(۴) هیچکدام غلط نیست.

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد بند ۳ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی در دعوای راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفاء و یا پرداخت شود، بهای خواسته اصولاً و نه همواره عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی است که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می داند و زمانی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه راکه ظرف ده سال باید استیفا کند.

۲۳۶- عدم تعیین خواسته در دادخواست در کدام یک از موارد ذیل مجاز است؟

(۱) هنگامی که تعیین بها ممکن نباشد.

(۲) هنگامی که خواسته مالی نباشد.

(۳) هنگامی که تعیین بهاء ممکن نباشد یا خواسته مالی نباشد.

(۴) هیچکدام

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. تعیین خواسته از مواردی است که انجام آن در دادخواست مستند به بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی لازم است همچنین تعیین بهای آن نیز لازم بوده مگر در مواردی که تعیین بهاء ممکن نباشد یا خواسته مالی نباشد.

۲۳۷- هزینه دادرسی واخواهی معادل هزینه دادرسی کدام مرحله می باشد؟

(۱) بدوی (۲) تجدیدنظر

(۳) فرجام خواهی (۴) اعاده دادرسی

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. اگر چه واخواهی همان رسیدگی مجدد پرونده در مرحله بدوی است و طرفین از همان حقوقی که در مرحله بدوی برخوردارند در واخواهی نیز برخوردار می باشند اما طبق بند ۱۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و تغییراتی که قانون بودجه سال ۱۳۹۶ در آن ایجاد نموده است هزینه دادرسی آن معادل هزینه دادرسی مرحله ی تجدیدنظر یعنی ۴/۵ درصد محکوم به می باشد.

توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست

۳۸۲- هرگاه خواننده دعوا در جریان رسیدگی به اثبات مالکیت فوت شود:

- (۱) در صورتی موجب توقیف دادرسی می گردد که تاثیری در رسیدگی داشته باشد.
 - (۲) دادگاه رسیدگی را بطور موقت متوقف و مراتب را به طرف دیگر اعلام می نماید.
 - (۳) دادرسی توقیف می گردد.
 - (۴) دادرسی توقیف می گردد و با درخواست طرف مقابل ادامه می یابد.
- گزینه ۲ صحیح است.
به استناد ماده ۱۰۵ ق.آ.د.م.

۳۸۳- فوت خواهان و خواننده به ترتیب موجب:

- (۱) توقیف دادرسی می شود- توقیف دادرسی نمی شود.
 - (۲) توقیف دادرسی نمی شود- توقیف دادرسی می شود.
 - (۳) توقیف دادرسی می شود- توقیف دادرسی می شود.
 - (۴) توقیف دادرسی نمی شود- توقیف دادرسی نمی شود.
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۱۰۵ ق.آ.د.م.

۳۸۴- در کدامیک از موارد زیر دادرسی متوقف نمی شود؟

- (۱) فوت وکیل یکی از اصحاب دعوا
- (۲) حجر خواهان
- (۳) فوت خواننده
- (۴) زوال سمت خواهان

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۸۶

۳۸۵- اگر خواننده در روز تقدیم دادخواست نخستین در قید حیات نباشد..... و اگر تجدیدنظر خواننده

در روز تقدیم دادخواست تجدیدنظر در قید حیات نباشد دادگاه..... صادر می کند.

- (۱) قرار عدم استماع دعوا توسط دادگاه صادر می شود- قرار عدم استماع دعوا
- (۲) قرار رد دادخواست توسط دادگاه صادر می شود- قرار توقیف دادرسی تجدیدنظر
- (۳) قرار توقیف دادرسی توسط دادگاه صادر می شود- قرار توقیف دادرسی تجدیدنظر
- (۴) قرار عدم استماع دعوا توسط دادگاه صادر می شود- قرار توقیف دادرسی تجدیدنظر

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۹۳

۳۸۶- در صورت زندانی شدن یکی از اصحاب دعوا یا عزیمت به محل ماموریت نظامی یا دولتی، و یا مسافرت

ضروری

- (۱) دادرسی متوقف می شود.
 - (۲) دادرسی متوقف می شود و وقت دیگری تعیین و ابلاغ می گردد.
 - (۳) دادرسی متوقف نمی شود لکن جلسه حسب مورد تجدید می گردد.
 - (۴) دادرسی متوقف نمی شود لکن برای تعیین وکیل مهلت مناسب اعطا می گردد.
- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۱۰۶ ق.آ.د.م.

۳۸۷- هرگاه در اثنا رسیدگی مشخص شود که خواننده قبل از طرح دعوا فوت کرده بوده است تصمیم دادگاه

..... می باشد.

(۱) قرار توقیف دادرسی

(۲) قرار سقوط دعوی

(۳) قرار رد دعوی

(۴) قرار رد دادخواست

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۴۶۶

۳۸۸- هرگاه در دعوی طلاق خواهان فوت کند و اگر در دعوی خلع ید یکی از طرفین محجور شود

(۱) قرار توقیف دادرسی صادر می شود- قرار توقیف دادرسی صادر می شود.

(۲) دعوا زائل می شود- قرار توقیف دادرسی صادر می شود.

(۳) دعوا زائل می شود- قرار عدم استماع دعوا صادر می شود.

(۴) قرار توقیف دادرسی صادر می شود- قرار عدم استماع دعوا صادر می شود.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد نخست ش ۴۹۹ و جلد سوم، ش ۸۷ و ماده ی ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۳۸۹- دعوایی در مرحله تجدیدنظر در حال رسیدگی است همان دعوا مجدداً در مرحله بدوی مطرح می گردد در این صورت:

(۱) دادگاه بدوی باید به استناد ایراد امر قضاوت شده قرار رد دعوا صادر نماید.

(۲) دادگاه بدوی باید رسیدگی خود را متوقف کرده و پس از صدور حکم از دادگاه تجدیدنظر به استناد ایراد امر قضاوت شده قرار امتناع از رسیدگی صادر می نماید.

(۳) دادگاه بدوی باید رسیدگی خود را متوقف کرده و پس از صدور رای از دادگاه تجدیدنظر چنانچه رای مذکور حکم یا قرار سقوط دعوا باشد قرار رد دعوا صادر نماید و چنانچه قرار دیگری صادر شود به رسیدگی خود ادامه دهد.

(۴) دادگاه بدوی باید رسیدگی خود را متوقف کرده و پس از صدور رای از دادگاه تجدیدنظر در هر صورت به استناد ایراد امر قضاوت شده قرار رد دعوا صادر نماید.

- گزینه ۳ صحیح است.

چون حکم و قرار سقوط دعوی صادره از دادگاه تجدیدنظر اعتبار امر مختومه را دارند به استناد بند ۶ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ قرار رد دعوا توسط دادگاه بدوی صادر می شود ولی سایر قرارها چون اعتبار امر قضاوت شده را ندارد مشمول اعتبار امر قضاوت شده نبوده و رسیدگی ادامه می یابد.

۳۹۰- هرگاه بعد از رسیدن دادرسی به مرحله ی صدور حکم خوانده فوت کند دادگاه

(۱) بدون توجه به فوت خوانده حکم صادر می کند.

(۲) دادرسی را توقیف می کند.

(۳) قرار عدم استماع دعوا صادر می کند.

(۴) دعوا را زائل شده اعلام می کند.

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. اگر در زمانی که سبب توقیف دادرسی به دادگاه اعلام می شود دادرسی به مرحله ی صدور حکم رسیده باشد دادگاه باید نسبت به صدور رأی اقدام کند زیرا دادرسی جریانی ندارد تا توقیف شود (رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۹۳)

۳۹۱- دعوا در چه صورتی قابل انتقال قهری است؟

(۱) دعوا در صورتی قابل انتقال قهری است که حق اصلی مطالبه شده دارای خصوصیتی منحصرأ شخصی باشد مانند دعوی تمکین.

۲) دعوا در صورتی قابل انتقال قهری است که شخص صاحب حق رسماً این حق را به دیگری انتقال دهد مانند خلع ید.
۳) دعوا در صورتی قابل انتقال قهری است که حق اصلی مطالبه شده دارای خصوصیت ویژه غیرمالی باشد مانند دعوی طلاق.

۴) دعوا در صورتی قابل انتقال قهری است که حق اصلی مطالبه شده دارای خصوصیتی منحصرأ شخصی نباشد مانند دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال مالک

– پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. فوت یکی از اصحاب دعوا در صورتی موجب توقیف دادرسی است که در دعاوی مورد رسیدگی قابل انتقال باشد در غیر اینصورت دادرسی توقیف نمی شود بلکه زائل می گردد مانند فوت زوج یا زوجه در دعوی تمکین یا طلاق که هر دو دعوا برخلاف اکثریت قریب به اتفاق دعاوی غیرقابل انتقال هستند. (رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۸۷ به بعد)

۳۹۲- کدامیک از موارد زیر از مواد توقیف دادخواست محسوب می شود؟

۱) فوت خواهان (۲) عدم تادیه هزینه دادرسی

۳) حجر خوانده (۴) زوال سمت یکی از اصحاب دعوا

– پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. باید توجه کرد که سؤال فوق موارد توقیف دادخواست را مدنظر داشته است که در واقع فوت، حجر و زوال سمت اصحاب دعوا باعث توقف جریان دادرسی می شود نه توقیف دادخواست. البته باید پذیرفت که در صورت موارد توقیف دادرسی (فوت، حجر و زوال سمت اصحاب دعوی) دادرسی از زمان تقدیم دادخواست شروع می شود.

۳۹۳- زوال سمت نماینده ی حقوقی ادارات دولتی موجب تغییر مدیران شخص حقوقی موجب و اگر یکی از طرفین دعوا شخصی حقوقی باشد انحلال شخص حقوقی موجب

۱) توقیف دادرسی می شود- توقیف دادرسی می شود- توقیف دادرسی می شود

۲) توقیف دادرسی نمی شود- توقیف دادرسی نمی شود- توقیف دادرسی نمی شود

۳) توقیف دادرسی می شود- توقیف دادرسی نمی شود- توقیف دادرسی می شود

۴) توقیف دادرسی نمی شود- توقیف دادرسی می شود- توقیف دادرسی نمی شود

– گزینه ۲ صحیح است. زوال سمت نماینده ی حقوقی ادارات دولتی موجب توقف دادرسی نمی شود چون نماینده ی حقوقی صرفاً کارمند و مأمور اداره است و شخصی که مخاطب ماست شخص حقوقی اداره است نه نماینده حقوقی. تغییر مدیران شخصی حقوقی تأثیری در فرایندی دادرسی نداشته و موجب توقف آن نمی شود چون شخص حقوقی مخاطب ابلاغ است. اگر یکی از طرفین دعوی شخصی حقوقی باشد انحلال شخص حقوقی موجب توقیف دادرسی نمی شود زیرا تا قبل از ختم تصفیه، شخصیت حقوقی به قوت خود باقی است.

۳۹۴- در صورتی که پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوی خواهان دعوی خود را بدون رضایت خوانده مسترد نماید و اگر به کلی از دعوی خود صرف نظر کند

۱) قرار سقوط دعوی صادر می شود- قرار سقوط دعوی صادر می شود.

۲) قرار رد دعوی صادر می شود- قرار رد دعوی صادر می شود.

۳) قرار رد دعوی صادر می شود- قرار سقوط دعوی صادر می شود.

۴) قرار سقوط دعوی صادر می شود- قرار رد دعوی صادر می شود.

– پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. اگر خوانده به استرداد دعوی پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوی راضی باشد قرار رد دعوی صادر می گردد.

تأمین خواسته

۴۰۲- چنانچه خواهان خسارت احتمالی تعیین شده توسط دادگاه جهت صدور قرار تأمین خواسته را پرداخت کند؛

- (۱) دادگاه می تواند قرار تأمین خواسته صادر نماید.
- (۲) دادگاه مکلف است قرار تأمین خواسته صادر کند.
- (۳) در صورتی که دعوا مستند به سند رسمی یا اوراق تجاری و اخواست شده باشد دادگاه مکلف است قرار تأمین خواسته صادر کند.
- (۴) در صورتی که دعوا مستند به رسند رسمی یا اوراق تجاری و اخواست شده باشد دادگاه می تواند قرار تأمین خواسته صادر کند.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی یکی از موارد صدور قرار تأمین خواسته حالتی است که خسارت احتمالی توسط خواهان پرداخت شده باشد بنابراین در صورتی که خسارت تعیین شده دادگاه، واریز شود، در کلیه دعاوی مالی دادگاه مکلف است قرار تأمین خواسته صادر کند.

۴۰۳- کدام یک از گزینه های زیر صحیح است؟

- (۱) در دعاوی غیرمالی نیز امکان صدور قرار تأمین خواسته وجود دارد.
 - (۲) در کلیه دعاوی قرار تأمین خواسته با پرداخت خسارت احتمالی صادر می شود.
 - (۳) نسبت به طلبی که هنوز موعود آن نرسیده قرار تأمین خواسته صادر نمی شود.
 - (۴) قرار تأمین قابل تجدیدنظر است.
- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛ در صورتی که طلب مؤجل بوده و مستند به سند رسمی یا در معرض تعدی یا تفریط باشد، صدور قرار تأمین خواسته میسر است.

۴۰۴- چنانچه ایراد تأمین اتباع بیگانه و دعوای واهی پذیرفته شود، دادگاه

- (۱) قرار رد دعوا صادر می کند.
 - (۲) باید میزان تأمین و مهلت سپردن آن را تعیین کند و در این مهلت دادرسی متوقف می گردد.
 - (۳) باید قرار رد دادخواست صادر کند.
 - (۴) فقط در خصوص ایراد تأمین اتباع بیگانه قرار رد دادخواست صادر می کند.
- گزینه ۲ صحیح است. چنانچه ایراد تأمین اتباع بیگانه و دعوای واهی پذیرفته شود، دادگاه باید میزان تأمین و مهلت سپردن آن را تعیین نماید و در این مهلت دادرسی متوقف شده و در صورتی که خواهان در این مدت تأمین ندهد به درخواست خواهان قرار رد دادخواست را صادر می کند (مواد ۱۰۹ و ۱۴۷ق.آ.د.م).
- نکات تکمیلی: (۱) قرار تأمین دعوای واهی باید به خواهان ابلاغ شود و مهلت دادن تأمین از تاریخ ابلاغ شروع میشود و این قرار قابل شکایت نمی باشد. (۲) پایان مهلت و ندادن تأمین به خودی خود موجب صدور قرار رد دادخواست نمی شود بلکه صدور قرار منوط به درخواست خوانده است.

۴۰۵- کدام گزینه در مورد تأمین خواسته صحیح است؟

- (۱) ممکن است دادگاه رأساً خود مبادرت به صدور قرار تأمین خواسته کند.
- (۲) تأمینی که خواهان باید برای پرداخت خسارات احتمالی ناشی از اجرای قرار بسپارد، برخلاف میزان و مدت پرداخت آن قابل اعتراض نمی باشد.

۳) میزان پرداخت تأمین خسارات احتمالی توسط خواهان برخلاف مدت آن در قانون مشخص نیست و به تشخیص دادگاه است.

۴) درخواست تأمین خواسته و پیوست های آن به طرف مقابل ابلاغ نمی شود.

- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۱۱۵ درخواست تأمین خواسته به طرف مقابل ابلاغ نمی شود اما چنانچه با درخواست موافقت و در پی آن قرار تأمین خواسته صادر شد. قرار مزبور به طرف مقابل ابلاغ می شود و طرف مقابل ۱۰ روز فرصت اعتراض دارد از تاریخ ابلاغ دارد. (تأیید گزینه ۴).

ایراد گزینه ۲ این است که تأمینی خواهان باید برای پرداخت خسارت احتمالی ناشی از اجرای قرار بسپارد، همانند میزان و مدت پرداخت آن قابل اعتراض نمی باشد. بنابراین هیچ یک از طرفین دعوا نمی تواند نسبت به تصمیم دادگاه درباره ی گرفتن تأمین از خواهان و میزان تعیین شده شکایت نماید، بنابراین خواهان در عمل ناچار می شود تأمین تعیین شده را بدهد و یا از گرفتن قرار تأمین خواسته چشم پوشی کند.

ایراد گزینه ۳ این است که قانون گذار نه تنها میزان تأمین را که باید از خواهان گرفته شود تعیین ننموده بلکه صریحاً آن را به صلاحدید دادگاه واگذار نموده است. همچنین مقنن مدت دادن تأمین را محدود نکرده است، اما در عمل دادگاه ها ضمن تعیین میزان تأمین مدت آن را نیز مشخص می نمایند و در احتیاطی که به خواهان ابلاغ می شود.

۴۰۶- هرگاه خواسته ی دعوا الزام خواننده به انجام عملی معین باشد؛

۱) صدور قرار تأمین خواسته مجاز است.

۲) صدور قرار تأمین خواسته مجاز نیست.

۳) فقط در صورتی که خواهان تأمین دهد صدور قرار تأمین خواسته مجاز است.

۴) فقط در صورتی که دعوا مستند به سند رسمی باشد صدور قرار تأمین خواسته مجاز است.

- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ی ۱۲۱ ق.آ.د.م- هرگاه خواسته دعوا الزام به انجام عمل یا منع از امری باشد، صدور قرار تأمین خواسته مجاز نمی باشد و تفاوتی نمی کند که آن امر راجع به مال منقول یا غیرمنقول باشد برای مثال؛ هرگاه خواسته ی دعوا الزام به انجام تعمیر یک دستگاه خودرو باشد صدور قرار تأمین خواسته ممکن نیست (رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۷۵۶)

۴۰۷- چنانچه خواسته ی دعوا یک نامه ی خصوصی باشد؛

۱) چون دعوا مالی است صدور قرار تأمین خواسته مجاز است.

۲) اگر چه دعوا غیرمالی است اما صدور قرار تأمین خواسته مجاز نیست.

۳) اگر چه دعوا غیرمالی است اما صدور قرار تأمین خواسته مجاز است.

۴) اگر چه دعوا مالی است اما صدور قرار تأمین خواسته مجاز نیست.

- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۷۵۶

۴۰۸- هرگاه دعوا مستند به سند رسمی باشد و درخواست تأمین خواسته شود؛

۱) صدور قرار تأمین خواسته منوط به تودیع خسارت احتمالی نیست.

۲) صدور قرار تأمین خواسته منوط به تودیع خسارت احتمالی است.

۳) اخذ تأمین خواسته از خواهان با توجه به نظر دادگاه است.

۴) دادگاه مکلف است که از خواهان تأمین اخذ نماید.

- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد ماده ی ۱۰۸ ق.آ.د.م.

ورود شخص ثالث

۴۵۳- مهلت ورود ثالث

- (۱) تا اولین جلسه دادرسی است.
(۲) تا پایان اولین جلسه دادرسی است.
(۳) تا ختم مذاکرات طرفین دعوا است.
(۴) تا وقتی است که ختم دادرسی اعلام نشده است.

- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۳۰ ق.آ.دم

۴۵۴- وارد ثالث اصلی در صورتی که بخواهد اقامه دعوا نماید باید دادخواست تقدیم نماید و

- (۱) نفع می تواند برای او محتمل باشد.
(۲) باید نفع محتمل الوقوع باشد.
(۳) تفاوتی نمی نماید که نفع به وجود آمده و حال باشد یا محتمل الوقوع باشد.
(۴) می بایست تمام شرایط اقامه ی دعوا را دارا باشد.

- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۳۱ ق.آ.دم

۴۵۵- وارد ثالث باید؛

- (۱) تا وقتی ختم دادرسی اعلام نشده در مرحله ی بدوی می تواند دادخواست خود را تسلیم کند.
(۲) تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کند و ظرف سه روز نیز دادخواست دهد.
(۳) تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده چه در مرحله ی بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر می تواند دادخواست خود را تسلیم کند.

(۴) مادامی که جلسه اول دادرسی پایان نیافته است می تواند دادخواست خود را بدهد.

- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی

۴۵۶- ورود ثالث در مرحله واخواهی ممکن وجواز ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر مستلزم عدم

اطلاع ثالث از جریان دادرسی بدوی

- (۱) نیست، نمی باشد
(۲) است، می باشد.
(۳) نیست، می باشد
(۴) است، نمی باشد.

- گزینه ۴ صحیح است.

رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد دوم، شماره های ۷۴۱، ۷۴۲، ۶۵۱، ۸۶۷

۴۵۷- در مورد ورود شخص ثالث کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمائم آن باید به تعداد خواندگان دعوای اصلی باشد.
(۲) دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمائم آن باید به تعداد خواندگان دعوای اصلی به علاوه یک نسخه باشد.

- (۳) هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی است، دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک می کند.
(۴) هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تاخیر رسیدگی است، قرار توقیف دادخواست طاری را صادر می کند.

-گزینه ۳ صحیح است.

به موجب ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی «هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوی ثالث به منظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث نمی باشد دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می کند» (ایراد گزینه ۴).

ایراد گزینه های ۱ و ۲ نیز این است که تعداد خواندگان دعوی اصلی ملاک قرار گرفته؛ در صورتی که مطابق ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی «دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضامم آن باید به تعداد اصحاب دعوی اصلی به علاوه بر یک نسخه باشد و شرایط دادخواست اصلی را دارا خواهد بود».

۴۵۸- رد یا ابطال دادخواست یا رد دعوی شخص ثالث؛

(۱) مانع از ورود او در مرحله ی تجدیدنظر خواهد بود.

(۲) مانع از ورود او در مرحله ی تجدیدنظر نخواهد بود.

(۳) مانع از طرح دعوی مجدد دعوی شخص ثالث خواهد بود.

(۴) مانع از ورود او در مرحله ی اعاده دادرسی نخواهد بود.

- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی

۴۵۹- طرفین دعوی در چه زمانی می توانند به ورود شخص ثالث ایراد کنند؟

(۱) هرگاه وارد ثالث ادعای حق استقلالی نداشته باشد یا نفعی در ذیحق شدن طرفین دعوا نداشته باشد.

(۲) دعوی ورودی ثالث با خواسته دعوی اصلی تفاوت داشته باشد.

(۳) بین وارد ثالث و یکی از متداعین تبانی به منظور تأخیر در رسیدگی به دعوی اصلی شده باشد.

(۴) هر سه گزینه صحیح است.

- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین کتاب دکتر شمس، عبدالله،

جلد سوم، ش ۶۰

۴۶۰- هزینه ی دادرسی دعوی ورود ثالث، است.

(۱) معادل دعوی غیرمالی (۲) معادل هزینه تجدیدنظرخواهی

(۳) معادل هزینه همان مرحله (۴) معادل دعوی مالی

- گزینه ۳ صحیح است. رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۶۵

۴۶۱- آیا وارد ثالث امکان طرح دعوی تقابل را دارد؟

(۱) خیر نمی تواند دعوی تقابل اقامه کند.

(۲) بله می تواند دعوی متقابل اقامه کند.

(۳) بله به شرط اینکه تا پایان جلسه اول دادرسی مطرح دعوا کند.

(۴) خیر مگر اینکه وارد استقلالی باشد.

- گزینه ۱ صحیح است. وارد ثالث خواهان محسوب می شود، بنابراین نمی تواند دعوی تقابل اقامه نماید زیرا اقامه

دعوی تقابل از سوی خوانده امکان پذیر است نه خواهان.

۴۶۲- در صورتی که فردی غیر از طرفین دعوا در جلسه دوم دادرسی دادخواست ورود ثالث تقدیم نماید

.....

(۱) قرار ابطال دادخواست ورود ثالث صادر خواهد شد.

(۲) با توجه به اتمام جلسه اول دادرسی به دادخواست ورود ثالث به طور جداگانه رسیدگی می نماید.

(۳) دادگاه با دعوی اصلی یکجا رسیدگی می کند.

۴) با توجه به اتمام جلسه اول دادرسی قرار رد دادخواست ورود ثالث صادر می شود.

- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد ماده ی ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، تقدیم دادخواست ورود ثالث برخلاف جلب ثالث مستلزم رعایت مهلت خاصی نبوده و تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده ممکن است که در صورت تقدیم در مهلت، دادگاه به طور یکجا رسیدگی خواهد نمود.

۴۶۳- دعوایی به خواسته مطالبه وجه چک در دادگاه تجدیدنظر در حال رسیدگی است چنانچه شخص ثالث دادخواست ورود ثالث تقدیم نماید.....

۱) دادگاه به طور جداگانه رسیدگی و رأی قطعی صادر می کند.

۲) دادگاه تجدیدنظر پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه بدوی ارسال می کند.

۳) دادگاه به طور یکجا رسیدگی و رأی قطعی صادر می نماید.

۴) دادگاه به طور یکجا رسیدگی و رأی قطعی صادر می نماید که رأی صادره در خصوص دعوی ورود ثالث غیرقطعی است.

- **گزینه ۳ صحیح است.** چنانچه وارد ثالث در مرحله تجدیدنظر وارد شود. رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر صورت خواهد گرفت و رأی آن تابع مقررات همان دادگاه است.

۴۶۴- یکی از دو ورثه یک مال، دعوی اجرت المثلی مال مزبور را علیه متصرف آن طرح و دادگاه بدوی به اشتباه متصرف را به پرداخت تمامی اجرت المثل مال در حق خواهان محکوم می نماید، اگر دعوی به مرحله ی تجدیدنظر نیز برود، وارث دیگر مال چه اقدامی برای حفظ حقوق خود می تواند بنماید؟

۱) می تواند در مرحله ی تجدیدنظر ورود ثالث نموده و سهم خود از اجرت المثل را مطالبه نماید.

۲) می تواند به دادگاه تجدیدنظر طی لایحه ای اعلام نماید که سهم وی را از محکوم به کسر نماید.

۳) فقط می تواند بعد از صدور حکم تجدیدنظر اگر سهم وی کسر نشده باشد نسبت به آن اعتراض ثالث کند.

۴) فقط می تواند بعد از صدور حکم تجدیدنظر اگر سهم وی کسر نشده باشد نسبت به آن اعاده دادرسی نماید.

- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد ماده ی ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی- گزینه ی ۲ صحیح نمی باشد، زیرا آن شخص ثالث جزء اصحاب دعوی نبوده که بتواند لایحه بدهد- گزینه ی ۳ هم غلط است؛ زیرا فقط امکان اعتراض ثالث را مقرر داشته در حالی که می تواند ورود ثالث نیز بنماید- گزینه ی ۴ هم غلط است زیرا اعاده دادرسی از سوی اصحاب دعوی پذیرفته است نه ثالث.

۴۶۵- در صورتی که از سوی دادگاه خواسته خواهان اصلی، متعلق به وارد ثالث اصلی اعلام شود؛

۱) خسارت دعوی او را خواهان و خوانده اصلی باید مشترکاً جبران کنند.

۲) خسارت دعوی او را خواهان و خوانده اصلی متضامناً جبران می کنند.

۳) خسارت دعوی او را خواهان اصلی باید جبران کند.

۴) خسارت دعوی او را خوانده اصلی باید جبران کند.

- **گزینه ۴ صحیح است.** رجوع کنید به کتاب دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۶۶.

جلب شخص ثالث

۴۶۶- وارد ثالث شمرده می شود مجلوب ثالث شمرده می شود.

۱) خواهان - خواهان

۲) خوانده - خوانده

۳) خواهان - خوانده

۴) خواهان - خوانده

گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی

۴۶۷- دادگاهی که می خواهد به دعوای جلب رسیدگی نماید در صورتی که صلاحیت نسبی نداشته باشد؛

۱) این امر مانع از رسیدگی است و نیاز به ایراد خوانده دارد.

۲) این امر مانع از رسیدگی است و نیاز به ایراد ندارد.

۳) رسیدگی باعدم رسیدگی موکل به نظر دادگاه است.

۴) این امر مانع از رسیدگی نیست و ایراد محسوب نمی شود.

گزینه ۴ صحیح است. رجوع کنید به کتاب دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۷۹.

۴۶۸- جلب شخص ثالث در مرحله ی تجدیدنظر قانوناً و به موجب انجام می شود.

۱) ممنوع است- دادخواست

۲) مجاز است- دادخواست

۳) ممنوع است- درخواست

۴) مجاز است- درخواست

گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۴۶۹- درخواست تأمین خواسته به ترتیب علیه مجلوب ثالث و به درخواست مجلوب ثالث است.

۱) مجاز- ممنوع

۲) ممنوع- مجاز

۳) مجاز- مجاز

۴) ممنوع- ممنوع

گزینه ۱ صحیح است. مطابق ماده ۱۰۸ ق.آ.م: «خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع

به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تأمین

خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

الف- دعوا مستند به سند رسمی باشد.

ب- خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد.

ج- در مواردی از قبیل تجاری واخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبل درخواست تأمین باشد.

د- خواهان، خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً به صندوق دادگستری بپردازد.

تبصره- تعیین میزان خسارات احتمالی، بادر نظر گرفتن میزان خواسته به نظر دادگاهی است که درخواست تأمین را

می پردازد. صدور قرار تأمین موکل به ابداع خسارت خواهد بود.» تأمین خواسته در امنیت قرار دادن خواسته است در

صورتی که حکم قطعی به سود خواهان صادر شد برای اینکه گرفتن خواسته از خوانده و دادن آن به محکوم له (خواهان)

با دشواری رو به رو نشود خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان

دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید.

بنابراین مجلوب ثالث خوانده محسوب می شود که درخواست تأمین توسط ایشان قابل پذیرش نیست اما علیه ایشان

قابل قبول است.

گواهی

۶۴۱- چنانچه دلیل دیگری بر ادعای مدعی جز گواهی گواه نباشد و گواه به دلیل غیبت متعذر از حضور باشد.....

- ۱) اگر گواه بر گواهی باشد دادگاه باید به گواهی شاهد بر گواه اصلی روی آورد.
 - ۲) دادرس دادگاه باید شخصا برای استماع گواهی نزد گواه حاضر شود.
 - ۳) دادرس دادگاه می تواند شخصا نزد گواهی حضور یابد آن را به دادگاه کیفری نیابت دهد.
 - ۴) دادگاه نمی تواند به گواهی شاهد بر گواه اصلی روی آورد.
- گزینه ۱ صحیح است. اگر چه شنیدن گواهی بر گواهی، در مواردی مجاز است اما به موجب ماده ۲۴۶ ق.آ.د.م، «در موارد مذکور در مادتين ۲۴۴ و ۲۴۵ چنانچه مبنای رأی دادگاه گواهی گواه باشد و آن گواه طبق مقررات ماه ۲۳۱ از حضور در دادگاه معذور باشد استناد کننده به گواهی می تواند به گواهی شاهد بر گواه اصلی استناد نماید» بنابراین هرگاه دلیل دیگری بر ادعای مدعی، جز گواهی در پرونده وجود نداشته باشد و گواه اصلی، طبق مقررات ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م از حضور در دادگاه معذور باشد دادگاهی که به دعوا رسیدگی می نماید باید از فرستادن دادرس دیگر برای شنیدن گواهی گواه اصلی یا دادن نیابت قضایی به دادگاه دیگر برای این امر خودداری کند و به گواهی شاهد بر گواه اصلی روی آورد. بنابراین در سوال مطروحه تنها گزینه ۱ می تواند صحیح باشد.

۶۴۲- **دعوی جرح و تعدیل و دعوی ثمن مبیع و دعوای مسلمان بودن به ترتیب برای اثبات نیازمند چند گواه می باشد؟**

- ۱) دو مرد- چهار زن- دو مرد یا یک مرد و دو زن
- ۲) سه مرد- دو مرد- دو مرد
- ۳) دو مرد- دو مرد یا یک مرد و دو زن- دو مرد
- ۴) دو مرد یا یک مرد و دو زن- چهار زن- سه مرد

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی
۶۴۳- در صورتی که احقاق حق متوقف به گواهی باشد و گواه حاضر به اتیان سوگند نشود.....

- ۱) گواهی گواه باطل و بلااثر می باشد.
- ۲) الزام به سوگند ممنوع است.
- ۳) گواه ملزم به سوگند می شود.
- ۴) دادگاه به دلایل دیگر استناد می کند.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد تبصره ی ماده ی ۲۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی

۶۴۴- از دعوی زیر کدامیک تنها با گواهی دو مرد اثبات می شود؟

- ۱) وصیت به نفع مدعی
- ۲) غصب
- ۳) وقف
- ۴) عفو از قصاص

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد بند الف ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی

۶۴۵- کدام گزینه صحیح می باشد؟

- ۱) شهادت اطفال کمتر از ۱۵ سال پذیرفته نمی شود.
- ۲) رجوع از شهادت امکان پذیر نیست و دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد.
- ۳) در دعوایی که با شهادت قابل اثبات است مدعی نمی تواند مدعی علیه را قسم دهد.

۴) اختلاف شهود در خصوصیات امر شهادت در صورتی که موجب اختلاف درموضوع شهادت نباشد پذیرفته می شود.
-گزینه ۴ صحیح است. در خصوص این سوال به ترتیب به نکات ذیل توجه نمایید:
نکته ۱- ماده ۱۳۱۴ ق.م، شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود، مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد. (ایراد گزینه ۱).
نکته ۲- ماده ۱۳۱۸ ق.م، اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد. به طور مثال اختلاف شهود در چگونگی خروج سارق از منزل که در اصل سرعت تأثیری ندارد. (تأیید گزینه ۴).
نکته ۳- ماده ۱۳۱۹ ق.م، در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی شود. (ایراد گزینه ۲)
نکته ۴- ماده ۱۳۲۵ ق.م، در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید. (ایراد گزینه ۳).

۶۴۶- کدام یک از موارد زیر جزء ادله اثبات وقف محسوب نمی گردد؟

۱) شهادت دو زن به همراه سوگند خواهان
۲) شهادت دو مرد
۳) شهادت چهار زن
۴) گزینه ۱ و ۳
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی برای اثبات وقف شهادت یک مرد و دو زن یا دو مرد یا دو زن و سوگند خواهان یا یک مرد و سوگند خواهان کافیهست.

۶۴۷- حضور گواهان؛

۱) به صلاحدید دادگاه و احضاریه دادگاه است.
۲) به درخواست هر یک از طرفین و با احضاریه دادگاه است.
۳) به درخواست هر یک از طرفین یا صلاحدید دادگاه با احضاریه است.
۴) به درخواست هر یک از طرفین یا صلاحدید دادگاه با احضاریه صورت گرفته یا بدون احضاریه در جلسه رسیدگی به همراه طرفین حاضر می شوند.
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۲۳۲ و ۲۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی حضور گواهان با احضاریه دادگاه یا بدون آن است و احضاریه به درخواست هر یک از طرفین یا صلاحدید دادگاه خواهد بود.

۶۴۸- مهلت برای جرح گواه؛

۱) غیرقانونی است و ممکن نیست.
۲) امکان پذیر و مهلت آن یک ماه می باشد.
۳) در صورت استمهال امکان پذیر و مهلت آن ده روز است.
۴) در صورت استمهال امکان پذیر و مهلت آن یک هفته است.
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد تبصره ی ماده ی ۲۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی

۶۴۹- کدام گزینه غلط است؛

۱) دادگاه نمی تواند گواه را به اداء گواهی ترغیب یا از آن منع یا او را در کیفیت گواهی راهنمایی کند.
۲) گواهی که برابر قانون احضار شده است چنانچه در موعد مقرر حضور نیابد جلب می شود.
۳) در صورتی که احقاق حق متوقف به گواهی باشد و گواه حاضر به اتیان سوگند نشود الزام او ممنوع است.
۴) تشخیص ارزش تأثیر گواهی با دادگاه است.
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد؛ ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳ و تبصره ماده ی ۲۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی

نیابت قضایی

۷۰۶- نیابت قضایی؛ برای رسیدگی به است.

- (۱) امور حکمی و موضوعی
(۲) امور موضوعی
(۳) امور حکمی
(۴) دلایل

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. دادن نیابت قضایی برای رسیدگی به دلایل است در نتیجه حتی اموری مانند استماع توضیحات اطراف دعوا را در بر نمی گیرد.

۷۰۷- درجه ی دادگاه نیابت دهنده باید از درجه دادگاه نائِب بنابراین دادگاه عمومی یا انقلاب به دادگاه استان نیابت قضایی دهد.

- (۱) پایین تر یا با آن مساوی باشد- می تواند
(۲) بالاتر یا با آن مساوی باشد- نمی تواند
(۳) پایین تر یا با آن مساوی باشد- نمی تواند
(۴) بالاتر- می تواند

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم، ش ۲۱۶

۷۰۸- در کدام یک از موارد زیر انجام نیابت قضایی امکان پذیر است؟

- (۱) نیابت دادگاه عمومی شیراز به دادگاه انقلاب شیراز
(۲) نیابت دادگاه عمومی اراک به دادگاه تجدیدنظر استان
(۳) نیابت دادگاه تجدیدنظر استان تهران به دادگاه عمومی ورامین
(۴) نیابت دادگاه تجدیدنظر استان تهران به دادگاه عمومی شهر تهران

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. در نیابت قضائی علی الاصول امکان نیابت مراجعی که هم عرض هستند وجود ندارد. اما دادگاه تجدیدنظر می تواند به دادگاه عمومی و در مجموعه استان خود نیابت دهد (تأیید گزینه ی ۳). توجه داشته باشید که دادگاه تجدیدنظر استان تهران نمی تواند انجام تحقیقات را از دادگاه عمومی شهر تهران بخواهد چرا که تهران مقر دادگاه تجدیدنظر استان تهران است و تحقیقات باید توسط خود دادگاه تجدیدنظر تهران انجام شود (ایراد گزینه ۴)- همچنین دادگاه عمومی یا انقلاب نمی تواند به دادگاه تجدیدنظر استان نیابت قضایی دهد چون از آن پایین تر است (ایراد گزینه ی ۲)

۷۰۹- دادگاه های ایران

- (۱) نمی توانند اعطای نیابت محاکم خارج را اجرا بنمایند
(۲) می توانند اعطای نیابت محاکم خارج از اجرا بنمایند.
(۳) می توانند اعطای نیابت محاکم خارج را اجرا نمایند به شرط معامله ی متقابل
(۴) می توانند اعطای نیابت محاکم خارج را اجرا نمایند به شرط وجود معاهده بین ایران و کشور مربوطه در این خصوص
-گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۹۲ ق.آ.د.م

۷۱۰- دادگاه نیابت دهنده شعبه ی دادگاه نائِب را مشخص نماید و همچنین دادگاه نیابت دهنده باشد.

- (۱) نمی تواند- باید از دادگاه نایب بالاتر یا مساوی
(۲) نمی تواند- می تواند از دادگاه نایب پایین تر
(۳) می تواند- باید از دادگاه نائِب بالاتر یا مساوی

۴) می تواند- می تواند از دادگاه نایب پایین تر

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. رجوع کنید به کتاب، دکتر شمس، عبدالله، جلد سوم شماره های ۲۱۵ و ۲۱۶

۷۱۱- در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور دادگاه تعیین می کند در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به بررسی و تحقیق نماید

۱) نحوه ی بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران- از درجه ی اعتبار ساقط است.

۲) نحوه ی بررسی و تحقیق را برابر قوانین کشور نایب- اعتبار آن منوط به نظر دادگاه است.

۳) نحوه ی بررسی و تحقیق را برابر قوانین کشور نایب- از درجه ی اعتبار ساقط است.

۴) نحوه ی بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران- اعتبار آن منوط به نظر دادگاه است.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی

۷۱۲- دادگاه ایران نیابت تحقیقات قضایی را برابر انجام می دهد و همچنین دادگاه ایران می تواند به شرط ترتیب خاصی که کشور خارجی برای رسیدگی معین کرده برابر آن عمل نماید.

۱) قوانین کشور نیابت دهنده- معامله ی متقابل

۲) قوانین ایران- معامله ی متقابل و عدم مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه و موازین اسلام

۳) قوانین کشور نیابت دهنده- معامله ی متقابل وعدم مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه

۴) قوانین ایران- عدم مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه و موازین اسلام

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی

واخواهی

۷۴۱- کدام گزینه غلط است؟

- (۱) حکم صادره در خصوص اعسار در هر صورت حضوری محسوب می شود.
- (۲) بیماری (مرض مانع حرکت) محکوم علیه حکم غیابی حتی در صورت امکان توکیل عذر موجه برای عدم درخواست واخواهی محسوب می شود.
- (۳) توقیف یا حبس در صورتی عذر موجه برای عدم درخواست واخواهی محسوب است که توقیف و حبس غیرقانونی باشد.

(۴) هیچکدام

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۰۷ ق.آ.د.م حکم صادره در خصوص اعسار در هر صورت حضوری محسوب است. بیماری (مرض مانع حرکت) محکوم علیه حکم غیابی حتی در صورت امکان توکیل عذر موجه برای عدم درخواست واخواهی محسوب می شود چرا که قانونگذار در بند ۱ ماده ی ۳۰۶ این مورد را بصورت مطلق جزء معاذیر دانسته است و آن را مشروط به عدم امکان توکیل نموده است- توقیف یا حبس در صورتی عذر موجه محسوب است که امکان تقدیم دادخواست به دفتر بازداشتگاه یا زندان وجود نداشته باشد و به بیان دیگر توقیف غیرقانونی باشد.

۷۴۲- کدام یک از مراجع ذیل می توانند قرار رد دادخواست واخواهی صادر نمایند؟

(۱) دادگاه بدوی

(۲) دادگاه تجدیدنظر

(۳) مدیر دفتر دادگاه

(۴) حسب مورد گزینه های الف و ب و ج صحیح است.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۴ و ۳۰۶ ق.آ.د.م اگر از حکم دادگاه بدوی به استناد عذر موجه و یا ادعای عدم اطلاع از مفاد حکم خارج از مهلت مقرر واخواهی شود بررسی صحت و سقم این موارد توسط دادگاه صورت گرفته و قرار قبول یا رد دادخواست واخواهی را دادگاه صادر می کند. دادخواست واخواهی نیز مثل هر دادخواست دیگری می بایست شرایط مقرر در قانون را از حیث شکل و طرز تنظیم داشته باشد بنابراین مثلا خواننده یا اقامتگاه آن مشخص نباشد و در مهلت مقرر نیز رفع نقص نشود توسط مدیر دفتر قرار رد آن صادر می گردد. امکان صدور حکم غیابی از دادگاه تجدیدنظر و در نتیجه واخواهی بعدی از آن و صدور قرار رد دادخواست واخواهی از این دادگاه نیز وجود دارد و آن هم در فرضی است که رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر محکومیت خواننده باشد و خواننده یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه ی دفاعیه و یا اعتراضیه ای هم نداده باشند رأی دادگاه تجدیدنظر ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم علیه یا وکیل او قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدیدنظر می باشد.

۷۴۳- طرح دعوی ورود ثالث در مرحله واخواهی.....

- (۱) تا وقتی که دادرسی در مرحله واخواهی تمام نشده ممکن است.
 - (۲) ممکن نیست و ثالث باید تا رسیدن مرحله تجدیدنظر منتظر بماند.
 - (۳) همانند جلب ثالث ممکن نیست.
 - (۴) برخلاف جلب ثالث ممکن است.
- گزینه ۱ صحیح است. افزون بر اصحاب دعوای نخستین اشخاص ثالث نیز می توانند وارد دعوا شوند. اگر چه در ماده ۱۳۰ ورود ثالث تنها در مرحله نخستین و تجدیدنظر منصوص شده است و در مرحله واخواهی صریحا پیش بینی نشده

است اما با توجه به اصول دادرسی و ملاک ماده ی مزبور و اینکه ورود ثالث «تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است» مجاز اعلام شده است ورود ثالث در مرحله وخواهی نیز امکان پذیر است. در ماده ۱۳۶ امکان جلب ثالث صریحا پیش بینی شده است.

۷۴۴- تقدیم دادخواست وخواهی.....

(۱) مانع اجرای حکم نیست.

(۲) ممکن است مانع اجرای حکم باشد اگر چه از طرق عادی شکایت است.

(۳) مطلقا مانع اجرای حکم نیست اگر چه از طرق عادی شکایت است.

(۴) مانع اجرای حکم است زیرا از طرق عادی شکایت است.

-گزینه ۲ صحیح است. وخواهی از طرق عادی شکایت است و یکی از آثار طرق عادی شکایت اثر تعلیقی است یعنی تا پایان مهلت وخواهی صدور دستور اجرای حکم ممنوع است و چنانچه در مهلت، وخواهی شده باشد، دستور اجرای حکم تا روشن شدن نتیجه وخواهی صادر نمی شود اما این اثر زمانی معتبر است که وخواهی در مهلت مقرر صورت گرفته باشد لذا در صورتی که وخواهی در مهلت مقرر صورت نگرفته باشد و حکم قابل تجدیدنظرخواهی نباشد یا اینکه مهلت تجدیدنظرخواهی آن تمام شده باشد حکم را می توان اجرا و وخواهی خارج از مهلت مقرر مانع از اجرای حکم نمی باشد. منتها چنانچه وخواهی خارج از مهلت مقرر مستند به عذری باشد و دادگاه ادعا را موجه تشخیص دهد قرار قبول دادخواست وخواهی را صادر می کند که در این صورت اجرای حکم متوقف می شود (ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م)

۷۴۵- وخواهی اثر تعلیقی و وخواهی خارج از مهلت اثر تعلیقی

(۱) ندارد- دارد

(۳) دارد- دارد

(۲) ندارد- ندارد

(۴) دارد- ندارد

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۰۶ و تبصره ی آن وخواهی اثر تعلیقی دارد ولی صرف تقدیم دادخواست وخواهی خارج از مهلت اثر تعلیقی ندارد.

۷۴۶- حکم غیابی در تاریخ ۹۶/۴/۷ صادر و در تاریخ ۹۶/۴/۱۶ به محکوم علیه غایب ابلاغ شده است

آخرین مهلت وخواهی چه زمانی است؟

(۱) ۹۶/۵/۵

(۳) ۹۶/۴/۲۷

(۲) ۹۶/۵/۶

(۴) ۹۶/۴/۲۸

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۰۶ ق.آ.د.م و با توجه به ماده ی ۴۴۵ ق.آ.د.م و با توجه به این نکته که ۶ ماه ابتدایی سال ۳۱ روزه است در خصوص مبدأ مهلت وخواهی نیز تاریخ ابلاغ ملاک است و نه تاریخ صدور.

۷۴۷- تأمین اخذ شده از خواهان بابت اجرای حکم غیابی تا باید باقی بماند.

(۱) تا ۵ سال از تاریخ صدور رأی

(۲) تا ۵ سال از تاریخ ابلاغ رأی

(۳) تا ۲ سال از تاریخ صدور رأی

(۴) تا زمانی که احراز شود که محکوم علیه از مفاد حکم غیابی مطلع شده و نسبت به آن در مهلت مقرر شکایت ننموده

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۰۶ و تبصره های آن؛ اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین متناسب از محکوم له خواهد بود مگر اینکه دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه غائب ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه وخواهی نکرده باشد، این امر بدین معناست که این تأمین تا زمانی که مشخص گردد محکوم علیه از مفاد حکم غیابی مطلع و ظرف مهلت مقرر از آن وخواهی نکرده است باقی می ماند.

تجدیدنظر

۷۹۸- کدامیک از آرای زیر قابل تجدیدنظر نیست؟

(۱) حکم دعاوی غیرمالی

(۲) احکام مستند به سوگند

(۳) حکم صادره براساس رأی یک یا چند کارشناس

(۴) هیچکدام

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی احکام صادره غیرمالی یا مستند به سوگند قابل تجدیدنظر است. همچنین اگر رأی مستند به نظر کارشناس باشد که طرفین نظر ایشان را قاطع دعوا اعلام کرده باشند قابل تجدیدنظر نیست در غیر اینصورت حکم صادره براساس رأی یک یا چند کارشناس قابل تجدیدنظر است.

۷۹۹- حکم غیابی ابطال سند غیرمالی در خصوص افراد مقیم ایران پس از انقضای قابل اجرا خواهد بود.

(۱) مهلت واخواهی و تجدیدنظرخواهی از تاریخ ابلاغ واقعی

(۲) مهلت واخواهی و تجدیدنظرخواهی از تاریخ ابلاغ قانونی یا واقعی

(۳) مهلت واخواهی از تاریخ ابلاغ واقعی

(۴) مهلت واخواهی از تاریخ ابلاغ قانونی یا واقعی

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۳۳۶ و ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره یک آن اجرای حکم غیابی مستلزم سپری شدن مهلت واخواهی و تجدیدنظر خواهد بود.

۸۰۰- قرار قبول تأمین خواسته و قرار رد تأمین خواسته نیز

(۱) قابل تجدیدنظر نیست- قابل تجدیدنظر است.

(۲) قابل تجدیدنظر است- قابل تجدیدنظر است.

(۳) قابل تجدیدنظر نیست- قابل تجدیدنظر نیست.

(۴) قابل تجدیدنظر است- قابل تجدیدنظر نیست.

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۱۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی

۸۰۱- کدامیک از قرارهای زیر که از دادگاه عمومی حقوق صادر شود قابل تجدیدنظر نیست و قطعی است؟

(۱) قرار سقوط دعوا

(۲) قرار امتناع از رسیدگی

(۳) قرار ابطال دادخواست

(۴) قرار رد دعوا

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی

۸۰۲- حکم تخلیه ید خوانده که از دادگاه عمومی صادر شده و حکم حضوری دادگاه عمومی

راجع به ثلث و حکم دادگاه خانواده مبنی بر تمکین زوجه

(۱) قابل تجدیدنظر است- قابل تجدیدنظر است- قابل تجدیدنظر است.

(۲) غیرقابل تجدیدنظر است- قابل تجدیدنظر است- غیرقابل تجدیدنظر است.

(۳) قابل تجدیدنظر است- قابل تجدیدنظر است- غیرقابل تجدیدنظر است.

(۴) غیرقابل تجدیدنظر است- غیرقابل تجدیدنظر است- قابل تجدیدنظر است.

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی کلیه احکام صادره در دعوی غیرمالی قابل درخواست تجدیدنظر است.

۸۰۳- اگر اقامتگاه تجدیدنظرخواه در دادخواست تجدیدنظرخواهی مشخص نباشد پس از انقضای مهلت

(۱) مدیر دفتر دادگاه تجدیدنظر قرار رد دادخواست تجدیدنظرخواهی صادر می کند.

(۲) مدیر دفتر دادگاه تجدیدنظر قرار رفع نقص صادر می کند.

(۳) دادخواست توسط دادگاه دریافت کننده ی آن رد می شود.

(۴) دادخواست توسط مدیر دفتر دادگاه بدوی رد می شود.

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی که اقامتگاه دادخواست دهنده مشخص نباشد دادخواست به موجب قرار دادگاه دریافت کننده دادخواست رد خواهد شد.

۸۰۴- مهلت درخواست تجدیدنظر برای ساکنین داخل کشور و خارج کشور از تاریخ محسوب می شود.

(۱) ۱۰ روز- ۱ ماه- ابلاغ رأی

(۳) ۲۰ روز- ۲ ماه- صدور رأی

(۲) ۲۰ روز- ۲ ماه- ابلاغ رأی

(۴) ۱ ماه- ۲ ماه- صدور رأی

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی

۸۰۵- کدامیک از اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر را ندارد؟

(۱) نمایندگان قانونی طرفین دعوا

(۳) همسر یکی از طرفین دعوا

(۲) طرفین دعوا

(۴) وکلاء طرفین دعوا

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۸۰۶- در صورتی که قرار رد دعوی بدوی توسط دادگاه تجدیدنظر نقض گردد

(۱) دادگاه تجدیدنظر نسبت به صدور حکم اقدام خواهد نمود و رأی صادره قطعی است.

(۲) دادگاه تجدیدنظر قرار مقتضی صادر خواهد نمود و رأی مذکور قطعی است.

(۳) پرونده جهت رسیدگی به دادگاه بدوی ارسال خواهد شد و رأی صادره توسط دادگاه بدوی قطعی است.

(۴) پرونده جهت رسیدگی به دادگاه بدوی ارسال خواهد شد و رأی صادره توسط دادگاه بدوی حسب مورد قابل تجدیدنظر خواهد بود.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت نقض قرار پرونده جهت رسیدگی ماهیتی به دادگاه بدوی عودت داده می شود.

۸۰۷- رأی محکومیت صغیری صادر شده است در صورتی که رأی به قیّم ابلاغ شده باشد و قبل از اتمام مهلت تجدیدنظرخواهی محکوم علیه از قیّمومت خارج شود:

(۱) قیّم همچنان می تواند تا پایان مهلت تجدیدنظرخواهی نماید.

(۲) رأی می بایست مجدداً به صغیر ابلاغ گردد.

(۳) رأی صادره ملغی است.

(۴) صغیر تا پایان مهلت تجدیدنظرخواهی می تواند تجدیدنظرخواهی کند.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۳۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت زوال سمت قیّمومت به علت رفع حجر مهلت تجدیدنظرخواهی از تاریخ ابلاغ رأی به شخص رفع حجر شده محاسبه می گردد.

هزینه دادرسی و اعسار

۹۷۱- مرجع رسیدگی به دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله ی تجدیدنظر خواهی از احکام کدام است؟

(۱) در صلاحیت مرجع تجدیدنظر است.

(۲) در صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم بدوی است.

(۳) در صلاحیت دیوان عالی کشور است.

(۴) در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر محل اقامت خوانده است.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۷۲- در مواردی که مقدار هزینه های دادرسی در قانون یا تعرفه رسمی تعیین نشده باشد:

(۱) این هزینه قابل مطالبه نمی باشد.

(۲) میزان این هزینه توسط دادگاه تعیین می شود.

(۳) مطالبه این گونه هزینه ها منوط اخذ نظر کارشناس است.

(۴) مقدار این گونه هزینه ها با توافق طرفین تعیین می شود.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. براساس ماده ی ۵۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی در مواردی که مقدار هزینه در قانون یا تعرفه رسمی تعیین نشده میزان این هزینه توسط دادگاه تعیین می شود.

۹۷۳- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به در صلاحیت

(۱) دادگاهی که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد.

(۲) دادگاهی که محل اقامت مدعی اعسار است.

(۳) دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادر کننده اجرائیه و به طرفیت محکوم له اقامه می شود.

(۴) حسب مورد دادگاه بدوی - تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور است.

- گزینه ۳ صحیح است.

ماده ۱۳ ق.ن.ا.م.

۹۷۴- در صورتی که دعوای متعدد ضمن یک دادخواست به طرفیت اشخاص مختلف مطرح گردد و ضمن

دادخواست تقاضای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی نیز شده باشد کدام گزینه صحیح است؟

(۱) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعوای در هر حال نسبت به تمام دعوای مؤثر است.

(۲) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعوای نسبت به بقیه دعوای مؤثر نخواهد بود.

(۳) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعوای نسبت به بقیه دعوای و در دیگر مراحل دادرسی همان دعوی نیز مؤثر نخواهد بود.

(۴) صدور حکم اعسار نسبت به یکی از دعوای نسبت به بقیه دعوای و در دیگر مراحل دادرسی همان دعوی نیز مؤثر خواهد بود.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد مواد ۵۰۸ و ۵۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی در این حالت صدور حکم اعسار تنها نسبت به همان دعوی و در تمام مراحل همان دعوی مؤثر است.

۹۷۵- چنانچه محکوم علیه تا روز از تاریخ ابلاغ ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود

دعوای اعسار از را مطرح نماید حبس نمی شود مگر دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

- ۱- سی روز/ حکم/ محکوم به یا هزینه دادرسی
۲- بیست روز/ حکم/ محکوم به یا هزینه دادرسی
۳- سی روز / اجرائیه/ محکوم به
۴- بیست روز/ اجرائیه / محکوم به
- گزینه ۳ صحیح می باشد

به استناد ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی

۹۷۶- در مورد دعاوی متعددی که مدعی اعسار بر یک نفر همزمان اقامه می کند؛

- (۱) حکم اعساری که نسبت به یکی از دعاوی صادر می شود نسبت به بقیه دعاوی مؤثر نخواهد بود.
(۲) به تعداد همه ی دعاوی نیازمند حکم اعسار می باشد.
(۳) معسر باید در تمام مراحل مربوط به همان دعوا حکم اعسار جداگانه اخذ کند.
(۴) حکم اعساری که نسبت به یکی از دعاوی صادر می شود نسبت به بقیه دعاوی مؤثر خواهد بود.
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۷۷- از تاجر دادخواست اعسار؛

- (۱) پذیرفته می شود.
(۲) پذیرفته نمی شود تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی می باشد باید برابر قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد.
(۳) پذیرفته می شود ولی باید دادخواست ورشکستگی دهد.
(۴) پذیرفته نمی شود مگر اینکه مطابق قانون تجارت ورشکسته محسوب شود.
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۷۸- اگر معسر فوت شود؛

- (۱) ورثه نمی توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده کنند.
(۲) ورثه می توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده کنند مگر اینکه استطاعت مالی آن احراز شود.
(۳) مطلقاً ورثه می توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده کنند.
(۴) ورثه نمی توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده کنند مگر در صورتی که این حق قبل از فوت مورث رسماً به آن ها داده شده باشد.
- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۷۹- به موجب قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی؛

- (۱) اصل بر ملائمت مدیون است مگر در مواردی که مال تلف حقیقی شده باشد یا مدیون در عوض دین مالی دریافت نموده باشد که در این صورت با شهادت ۲ شاهد و بدون سوگند ادعای اعسار ثابت می گردد.
(۲) در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائمت وی داشته یا مدیون در عوض دین مالی دریافت کرده باشد اصل بر ملائمت وی و بار اثبات اعسار برعهده ی اوست.
(۳) در مواردی که مدیون ثابت کند مال تلف حقیقی یا حکمی شده یا در عوض دین مالی دریافت نکرده اصل بر اعسار او است و با سوگند وی پذیرفته می شود.
(۴) گزینه ی ۲ و ۳ صحیح است.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۷ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی

مطالبه ی خسارت و اجبار به انجام تعهد

۹۸۰- خواهان به چه صورت می تواند خسارت ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد را از خواننده مطالبه کند؟

۱) ضمن تقدیم دادخواست

۲) در اثنای دادرسی

۳) به طور مستقل

۴) همه موارد

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۸۱- در چه صورت مطالبه ی خسارت های تأخیر انجام تعهد مستلزم تقدیم دادخواست نیست؟

۱) در مواردی که دعوای مطالبه خسارت بعد از ختم دادرسی مطرح می شود.

۲) در مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلاً مطرح می شود.

۳) در غیر مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلاً یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود.

۴) در مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلاً یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود.

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد تبصره ی ۱ ماده ی ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۸۲- کدام مورد از خسارت های زیر قابل مطالبه نیست؟

۱) خسارت ناشی از دادرسی

۲) خسارت ناشی از عدم نفع

۳) خسارت تأخیر تأدیه در غیر موارد قانونی

۴) گزینه های ۲ و ۳

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد تبصره ی ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۸۳- دعوای که به به طریق سازش خاتمه یافته حکم به خسارت نسبت به آن مگر اینکه

۱) صادر خواهد شد- مگر اینکه ضمن سازش تصمیم خاصی اتخاذ شده باشد.

۲) صادر نخواهد شد- مگر اینکه ضمن سازش نسبت به خسارت وارده تصمیم خاصی اتخاذ شده باشد.

۳) صادر خواهد شد- مگر اینکه ضمن سازش نسبت به آن تصمیم خاصی اتخاذ نشده باشد.

۴) صادر نخواهد شد- مگر اینکه ضمن سازش نسبت به خسارت وارده تصمیم خاصی اتخاذ نشده باشد.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی.

۹۸۴- هرگاه میزان خسارت در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده باشد؛

۱) میزان آن را دادگاه معین می کند.

۲) میزان آن را کارشناس معین می کند.

۳) میزان آن با توافق و تراضی طرفین معین می شود.

۴) میزان آن توسط شورای حل اختلاف تعیین می گردد.

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛ «در مواردی که مقدار هزینه و

خسارت در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده باشد میزان آن را دادگاه تعیین می نماید.»

۹۸۵- هزینه هایی که برای اثبات دعوا یا دفاع ضرورت نداشته؛

۱) در صورتی می توان مطالبه نمود که مستند به سند رسمی باشد.

۲) می توان مطالبه نمود.

۳) نمی توان مطالبه نمود مگر اینکه مستند به سند رسمی یا شهادت شهود باشد.

۴) نمی توان مطالبه نمود.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛ هزینه های که برای اثبات دعوا یا دفاع ضرورت نداشته نمی توان مطالبه نمود.

۹۸۶- کدامیک از موارد زیر خسارت دادرسی نمی باشد؟

(۱) هزینه ی تحقیقات محلی

(۲) حق الوکاله وکیل

(۳) هزینه هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای اثبات دعوا لازم بوده است.

(۴) حق الزحمه کارشناسی

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی فقط هزینه هایی که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده خسارات دادرسی محسوب می شود نه به طور غیرمستقیم

۹۸۷- مستثنیات دین تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

(۱) تا زمان حیات محکوم له

(۲) تا زمان حیات محکوم علیه

(۳) تا زمان حیات محکوم له یا محکوم علیه

(۴) مستثنیات دین در تمام دعوی تا ۱۰ سال جاری خواهد بود.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۵۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی

۹۸۸- کدام مورد از مستثنیات دین می باشد:

۱-منزل مسکونی که عرفا در شأن محکوم علیه است.

۲-اثاثیه مورد نیاز زندگی

۳-آذوقه موجود

۴- تلفن مورد نیاز مدیون و مبلغ رهن پرداختی به موجر به شرط اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج باشد.

- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۲۴ ق.ا.م.م منزل مسکونی که عرفا در شأن محکوم علیه در حالت اعسار اوست و اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل او لازم است و آذوقه موجود به قدر احتیاج از مستثنیات دین محسوب می گردد.

۹۸۹- کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) برای مطالبه خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر در انجام تعهد که مستقلاً طرح شوند تقدیم دادخواست لازم است.

(۲) خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست.

(۳) اگر محکوم علیه بدلیل فورس ماژور نتواند تعهد خود را ایفاء نماید به پرداخت خسارت محکوم نمی شود.

(۴) در موارد دعوایی که به طریق سازش خاتمه یابد حکم خسارت نسبت به آن دعوا صادر می شود.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. اگر دعوا به طریق سازش خاتمه یابد حکم به خسارت نسبت به آن دعوا صادر نمی شود مگر اینکه در ضمن سازش نسبت به خسارت وارده تصمیم خاصی اتخاذ شده باشد.

قانون حمایت خانواده

۹۹۰- رسیدگی در دادگاه خانواده.....

- (۱) بدون تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.
 - (۲) بدون تقدیم دادخواست و با رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.
 - (۳) با تقدیم دادخواست و با رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.
 - (۴) با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۸ قانون حمایت خانواده که مقرر می دارد؛ «رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.»

۹۹۱- حضور قاضی مشاور زن در دادگاه خانواده.....

- (۱) الزامی نیست.
- (۲) منوط به نظر قاضی دادگاه می باشد.
- (۳) الزامی است حتی در مواردی که به دلیل عدم وجود دادگاه خانواده در حوزه قضایی یک شهرستان دعاوی خانواده در دادگاه دیگری رسیدگی می گردد.
- (۴) الزامی است جز در مواردی که به دلیل وجود دادگاه خانواده در حوزه قضایی یک شهرستان دعاوی خانواده در دادگاه دیگری رسیدگی می گردد.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۲ و طبق رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۴/۳/۲۶-۷۴۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛

«نظریه اینکه تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ مقرر داشته: «در حوزه قضایی شهرستان هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند.» و با عنایت به اینکه در ترکیب دادگاه های عمومی حقوقی با توجه به بند الف ماده ۱۴ اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مشاور پیش بینی نشده است، بنابراین در مواردی که این دادگاه ها به علت عدم تشکیل دادگاه های خانواده به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کنند حضور قاضی مشاور در دادگاه قانوناً ضرورت ندارد.»

۹۹۲- تقاضای زوجین برای دریافت جنین؛

- (۱) از امور ترافعی نبوده و بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی می باشد.
- (۲) از امور ترافعی بوده اما بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی می باشد.
- (۳) از امور ترافعی بوده و با تقدیم دادخواست در دادگاه صالح قابل رسیدگی می باشد.
- (۴) از امور ترافعی بوده و بدون تقدیم دادخواست در دادگاه صالح قابل رسیدگی می باشد.

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۵-۹۵/۱۰/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ «از مقررات قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور خصوصاً ماده ۴ آن راجع به صلاحیت دادگاه چنین مستفاد می گردد که تقاضای زوجین برای دریافت جنین از امور ترافعی نیست و مقررات قانون آیین دادرسی... در امور مدنی در خصوص رسیدگی به دعاوی منصرف از آن است، براین اساس، تقاضای زوجین بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی است و رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص داده می شود.»

۹۹۳- دعاوی راجع به اصل نکاح در حوزه قضایی بخش هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است؛

- (۱) دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات قانون حمایت خانواده
 - (۲) دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی
 - (۳) دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضایی
 - (۴) دادگاه خانواده نزدیکترین شهرستان
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد تبصره ی ۲ ماده ی ۱ قانون حمایت خانواده ۹۹۴- در حوزه قضایی شهرستان هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است به امور و دعاوی خانوادگی در کدام دادگاه رسیدگی می شود؟

- (۱) دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضایی
 - (۲) دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات قانون حمایت خانواده
 - (۳) دادگاه خانواده نزدیکترین شهرستان
 - (۴) دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد تبصره ی ۱ ماده ی ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ۹۹۵- دادگاه خانواده با حضور تشکیل می شود.

- (۱) دادرس یا دادرس علی البدل و مددکار اجتماعی
 - (۲) رئیس و دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن
 - (۳) دو دادرس و یک قاضی مشاور
 - (۴) رئیس یا دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن
- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

- ۹۹۶- تصمیم مراجع عالی اقلیت های زرتشتی در مورد نکاح؛
- (۱) توسط اعضای مجمع اقلیت های زرتشتی با رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.
 - (۲) توسط محاکم قضایی با رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.
 - (۳) توسط محاکم قضایی بدون رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.
 - (۴) توسط اعضای مجمع اقلیت های زرتشتی با رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.
- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

- ۹۹۷- کدام یک از موارد زیر از پرداخت هزینه دادرسی معافند؟
- (۱) کمیته امداد امام خمینی (ره)- مددجویان سازمان بهزیستی
 - (۲) شرکت های وابسته به کمیته امداد
 - (۳) شرکت های دولتی
 - (۴) همه موارد

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد تبصره ماده ی ۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
- ۹۹۸- هرگاه خواهان، خواننده را مجهول المكان معرفی کند؛

- (۱) دادخواست وی رد می شود.
- (۲) از طریق انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار ابلاغات به وی صورت می گیرد.
- (۳) باید به طریق مقتضی محل اقامت خواننده را معین کند و گر نه دادخواست وی رد می شود.
- (۴) باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند، دادگاه به طریق مقتضی در این باره تصمیم می گیرد.

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد تبصره ی ماده ی ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
۹۹۹- اگر زوج متقاضی طلاق باشد و یا طرفین متقاضی طلاق توافقی باشند..... صادر می گردد و اگر
زوجه متقاضی طلاق باشد صادر می گردد و اعتبار گواهی عدم امکان سازش است.

(۱) گواهی عدم امکان سازش- گواهی عدم سازش- شش ماه
(۲) حکم- حکم- سه ماه

(۳) گواهی عدم امکان سازش- حکم- سه ماه

(۴) حکم- گواهی عدم امکان سازش- شش ماه

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۶ و ۳۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
۱۰۰۰- کدامیک از موارد زیر در صلاحیت دادگاه خانواده نیست؟

(۱) اهلهای جنین (۲) تغییر جنسیت

(۳) رشد، حجر و رفع آن (۴) تغییر سن در شناسنامه

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

۱۰۰۱- مدت اعتبار حکم طلاق از تاریخ و مدت اعتبار گواهی عدم امکان
سازش از تاریخ است.

(۱) ۶ ماه - ابلاغ رای فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی - ۳ ماه - ابلاغ رای قطعی یا قطعی شدن رای

(۲) ۳ ماه - ابلاغ رای قطعی یا قطعی شدن رای - ۶ ماه - ابلاغ رای فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی

(۳) ۶ ماه - ابلاغ رای قطعی یا قطعی شدن رأی - ۳ ماه - ابلاغ رای فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی

(۴) ۳ ماه - ابلاغ رای فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی - ۶ ماه - ابلاغ رای قطعی یا قطعی شدن رای

- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ۳۳ و ۳۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

۱۰۰۲- وکالت در دعاوی خانوادگی و دیوان عدالت اداری؛

(۱) تابع مقررات آئین دادرسی مدنی است.

(۲) تابع مقررات عام وکالت در قانون مدنی است.

(۳) تابع مقررات مربوط به دعاوی خانوادگی است.

(۴) تابع قواعد امور حسبی است.

- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. وکالت در دعاوی خانوادگی تابع مقررات مربوط به آئین دادرسی مدنی می باشد (ماده
ی ۸ قانون حمایت خانواده و ۳۳ ق.آ.د.م و ۱۲۲ ق دیوان عدالت اداری)

۱۰۰۳- ارجاع به داوری در موارد درخواست طلاق؛

(۱) ضروری است. (۲) در طلاق توافقی ضرورتی ندارد.

(۳) ضرورت ندارد. (۴) منوط به درخواست طرفین است.

- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

۱۰۰۴- در کدام مورد از موارد زیر ثبت نکاح موقت الزامی است؟

(۱) توافق طرفین (۲) بردار شدن زوجه

(۳) شرط ضمن عقد (۴) همه موارد

- پاسخ: گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ی ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۹۴

۱۱۰۶- کدام مورد مشمول مقررات قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ می باشد؟

- ۱- فقط احکام محکومیت مالی صادره از مراجع حقوقی و کیفری
 - ۲- کلیه محکومیت های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال، جزای نقدی
 - ۳- فقط احکام محکومیت های مالی صادره از مراجع حقوقی و کیفری و قرار دستور موقت
 - ۴- کلیه احکام صادره از مراجع قضائی مبنی بر محکومیت اشخاص به پرداخت هر نوع مال به دیگری، گزارش اصلاحی مراجع قضایی، آراء مدنی تعزیرات حکومتی
- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد مواد ۱ و ۲۶ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۹۴

۱۱۰۷- در حال حاضر تشخیص مستثنیات دین بر اساس کدام قانون صورت می پذیرد؟

- ۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
 - ۲) قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴
 - ۳) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی ۱۳۹۴
 - ۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ که بیانگر اموال در زمره مستثنیات دین بوده است بر اساس ماده ی ۲۹ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۹۴ نسخ صریح شده است.

۱۱۰۸- در خصوص شمول مقررات قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ در زمانی که

محکوم علیه شخص حقوقی می باشد کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) تمامی مقررات آن بر اشخاص حقوقی نیز جاری است.
 - ۲) مقررات آن بر اشخاص حقوقی نیز جاری است جز موارد مربوط به اعسار، مستثنیات دین، و حبس محکوم علیه
 - ۳) فقط مقررات مربوط به مستثنیات دین آن بر اشخاص حقوقی نیز جاری است.
 - ۴) مقررات آن بر اشخاص حقوقی جاری نیست.
- پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. به استناد قسمت ابتدایی ماده ۲۶ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی که مقرر می دارد؛ «احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم علیه، اعسار و مستثنیات دین حسب مورد در مواردی که محکوم علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است.....»

۱۱۰۹- معسر کسی است که؛

- ۱) به دلیل نداشتن مالی حتی مستثنیات دین قادر به تأدیه دیون خود نباشد.
- ۲) به دلیل نداشتن مالی به جز وسایل مورد نیاز زندگی قادر به تأدیه دیون خود نباشد.
- ۳) به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین قادر به تأدیه دیون خود نباشد.
- ۴) به دلیل نداشتن مالی موقتاً قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

- پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ی ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ۹۴

۱۱۱۰- اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال؛

- ۱) برعهده ی مدیون است.
 - ۲) برعهده ی دائن است.
 - ۳) برعهده ی دادگاه است.
 - ۴) برعهده ی محکوم له است.
- پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. به استناد تبصره ی ماده ی ۶ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۹۴